

از ورقه مطبوعه انشائیته ذکر اینجا نقل مینماید
 بدانند صدق این مقال را (فلا یخاف من حفس)
 و قهر فیما بعد مگر که بدانی چیرگی که خود افی
 خلاصه نطق ما اینلاف مثلث -

فرب بیصد سال است که تمام صعوبات و
 مشقات را امتحال کرده و در راه ترقی انبیا
 و تسهیل و سائل جنات و معیشت ثبیت کوششها
 کرده ایم و با انواع و اقسام کشفیات فیه و انشاء
 علیّه موفق شده و اصلاح قوانین ملل و حکومتها
 ام نموده و تعیین حدود خاکهین و حکومیت که
 اس اساس هر کشور فاجیت و هر نوع آزادی و
 هر پیمان از قوه بفعلیت آورده ایم بنا بر این
 تمام غائله بشری منت دار و وظیفه خوارخوان
 احسان ما هستند اگر افراد بشر چشم بصیرت و

توه عقل و انصاف داشته باشند خواهند دید که بی
 واقفان ما بر آنها يك امر بسیار کهن مشهور و عقلی
 بلکه از سائمه زین قوانین طبیعت است که خواهی از آن
 استیاضی و افرینهای دیگر کند نماید و شده ایم باید
 حقوق خودمان را از روس و انگلیس و فرانسه که
 مخالف اسلامیه را بطلب کرده اند مطالب نماییم
 عجباً ایشان چه حقی می دانند الا حق غیر از قوت و
 غالبیت که فطرت انبیاء و طبیعت کائنات است
 ایاضیف تا غیر از اضحلال و جزه قوی حق می توان
 تصور نمود ایام بعضی غیر از موت و فنا نصیبی
 اگر اینها را معیلت دادیم و از اتحاد اسلام نتیجه گرفتند
 چه خواهند شد اینها که شکر از ادبی مذمت
 در مستعزرات یعنی چه ما اگر بوقت نگاه کنیم
 بی بینیم راهی که بدان میزنیم و کشیدها و در دنیا

ما در قرون وسطی گرفته بودند اگر چه خیلی شدید
 و برخلاف رفیق و زهی بود لکن بسیار مناسب
 شایسته بود این فکری که کپیشها تازه نموده اند
 که ما در مستعمرات برای اطفال چهار پنج ساله
 مدارس مذهبی باز نموده و پدرها را اجبو کنیم که
 اولادشان را بدست کپیشها بدهند فکر پست
 بسیار عالی و شایان تقدیر و کپیشها یک دفعه
 دیگر ما را رهین منت فرموده بودند که خیلی منفع
 شدیم که در آشنای تبشیر هر که نصرانیت را قبول
 نمیکرد و شبها ت ملاحظه و طبعین او را از افت
 و بیدین صرف میکردند در حقیقت لامذهبان
 و فرنگی ما بان مسر لا عن شعور و عجب کارهایی
 بزرگ برای ما صورت میدهند نفع اینان بعالم
 نصرانیت از نفع ملامان اینیکه در بلاد اسلام
 منتشر

باغالی نامی است عوام را از دین اسلام منزه
 میسازند که گنایست بدین اولین و سیم
 گوشت و بقای حکومت مشرفه نماید از
 سرزمین عوام اسلام و قرآن است بهمان ترتیب
 که بطر کپی و قلا دستون و سالی بود توجیه
 و سزا وارد گری و سزا نوسا و زانویب
 فعلا اجرای این ماده قانونی و ضمیمه دول
 ایستاد مثلثات ماده اول - بسان نما
 مدارس و مکاتب آنها با این معنی که مسلمانها
 حق نداشته باشند که الف با بی هیچ قوی را بسند
 و بخوانند بلکه باید عموما جاهل بقرآن و کتب
 باشند مگر بطوری که کتبشان صلاح دانند
 ماده دوم - هیچ قانونی از قوانین اسلام
 مثل نکاح و طلاق و مواردی محترم نبوده باشد

ماده ششم - کلیاتها از تمام حقوق مدنیة
 کشور باشند ماده پنجم - کلیاتها باید تمام
 امیانات مذکور و جنبین خود را عدالت برقرار
 کرده نمایند ماده پنجم - دولت ایند لا مثلث
 که اجزای این مواد قانونی در حق مسلمین تحقق
 بوده و همه بگویند هر که مکر است منافع آن
 اگر این قوانین مجری شود و این علاج بر البشاعت
 مسلمانان نوزائیده شود بلا شبهه در نصف
 دیگر کشورها هم مقایسه آنها آسوده خواهد بود
 و اگر در سوسه و پنجاه میلیون مسلمان انداخت
 خواب نخواهد ماند و بیدار بیدار بیدار
 ممکن نخواهد بود و وصال ای عقلا و ماعین
 در صورت کارگان مایه بیدار بیدار بود و اختلا
 در تقدیم و تاخیر حکم کعبه و تخریب مدینه

توانستند از اسلحه‌های جنگی که از اجزای مواد معدنی
بنا می‌شوند، حل این مشکل بسیار آسان است

و قابل اعتنا نیست ؟ ؟ ؟

بنابراین به نظر می‌آید که بهترین راه

توسعه نیروی یک دستگاه و ساختارهای مشابه

در آینده خواهد بود و با استفاده از پاره‌های پلاستیک

ساختارهای جدیدی خواهد شد و در نتیجه می‌تواند

مشروعیت آنها را که بعد از این بین شما عاقلان

مستعد می‌شود از جهت کم‌فشاری مصنوعی و

محفوظ خواهد ماند و چنانچه می‌شود از آن خواهد

لینچ می‌سوزد

ای کسانی که مشرفه ای اصل ایران را که می‌خواهند

ایمان ملیتی که سرمایه داران طماع اروپا آنها

شما سوال شما ازادی شما خادان شما وطن شما را

برای خود سزای فرزند داده و بزداد و مستندان
 مشغول بودند. ای مسلمانان نزدیک است
 او طمان شما از کف آن وزدانی که مویش این
 خاربه عالمگیر بودند رهائی نابد ای مسلمانان
 بشما خبر دادیم در بازه ضبط اسلامبول پادشاه
 محرم از تاج و تخت ما اینکلا معاهده نموده
 و آن معاهده را اگر نسکی در و دره حکومت خویش
 امضا کرده بود ولی ما این معاهده و تمام آن
 معاهدات مخفی دیگر دادیم و بدو انداختیم
 حکومت روس که فضلا بدست کپسار و ای حاجت
 باله برضد پلیتیک خصم خاوه دیگران میباشد
 اسلامبول نابد در کف مسلمانان باقی همانند
 لنین مراجع با این سبکی
 باز بشما خبر دادیم که معاهده را که در باره تقسیم

ایران نموده بودند دیدیم و تلفت کردیم و همچنین
 صلح تمام قشون خود را از ایران سرایت خواهیم
 و باغالی ایوان اختیار داده خواهند شد بطوریکه
 میل دارند با کمال آزادی زندگی نمایند.

نصیحت

ای مسلمانان حال که هر جهت حواصث روزگار را
 این مقدار برای ترقی و تعالی شما همیشه مساعد
 چیده و اسناد و قیث و عبودیت شما را بدست
 نبین و زحای آزادی خواهان روسیه که در پاره
 این مسافت را غنیمت شمارید وقت را از دست
 نگذارید هر کدام برای دهائی خود از جنگال
 ظالمانه دول استغاری تلاش و دست و پا کنید
 (نقل از شماره شصت و سه سال اول بهار)

للقولف

صد شکر که از غاطب جنت بردان
 کردید در خشنده ز نو اختر ایران
 گوان هنری شاعر خوش طبع سخندان
 آن فخر ادبیان عجم ثانی سنجیان
 تا بنگرو اینک شده ایران چو گلستان
 دین گور خوردانده وحسرت که بدینسان
 بشکامید پینه اینرا بر شکم ما بزم
 وقت است که در علم و هنر سخت بگوئیم
 و زبانه دانش قدحی چند بنوشیم
 فرمان خوردن باید بر هر و بنوشیم
 تا جامه عزت بسازاریم بنوشیم
 منوچهر پیشم که شایسته نوشیم
 گویند که گشود خود را بفرودشیم
 این کشور چشید و فرید و خشا یا

ازایش کشور بدو چیز است مصور
 آبادی نایبه و اسایش کس که
 دین هر دو منوط است بدستور هر دو
 کز رای زمین دام کند صغر و کبوتر
 این همه درختی است برومند و گهرا
 کز از رهش و عدل ملک ریشه کن
 امری نرشته ادا کنی هست ساری
 آنکه گوید ز هر جانب مانع شد مفقود
 آثار سعادت ز این همه مشهور
 اسباب ترقی شده امساده و مورد
 کشور سعید و شقی زانده و سرود
 میفانست که از دست دهنی شاه دست
 گویند شنا ز این همان خالق معبود
 و فلک که بانرا بپند یک بس که

ناپسند کنونی قصه روپسته و بولشوی
 ناپسند ز پارسی و ز قفقاز و زود شو
 کج چو رود گریبار برون پنج غم از نو
 از دست منده فرصت وزی علم و هنر
 ناس خرد خا و خس ملک تو بدرد
 و ز جهل بیندیش و بهل لیت و یالو
 نامرغش طرب مرانی بر کنبد
 ناپسند بخواب اندر ای فرقه احرار
 ناپسند نفاق و حسدای سر در قشیا
 ز نهارا زان عادت زین خصلت ز نهاد
 بد بختی ما را بود این فضله و سکر باد
 از من شنو این نکته و انداز نگاهدا
 هر گویند از حسد و کینه و ازاد
 آنست خطا جو و خطا پی و خطا کا

آنکه بخواهد آن چیزی را بگوید و ناپسند
 خود را بر زبان بیاورد بیتی و ترخند کند
 در گوش می دارم ز اسناد بیگی پند
 گو گفت سزای کسی سزا کرد که گویند
 در فضل و هنر گوش نه در خروج از بند
 کاینها همه هیچ است بتو یک کرم
 آنکه زین کند قیامت جاک افسان
 نور بصیرانی پس با خود و هوش
 پندی هست بشنو و مکنای قراموش
 فرزند گشت باش و در بنده بسزای گوش
 تا خیرت و دولت شود کس با او هم سخن
 صگر زندگی غرض طلبی باری بنیوش
 آنرا و بداندش حد ندارد و مهل گوش
 بی گفتن آنانکه بجهتند سخن و مانا

انهدا اسکلت استبداد استبداد
 فشیبه و حتی که سعادت بشهرها ندخلت چه
 شفقت خود گرفته دو اکثری از مثالک برای
 اجرای حریت پرواز می نمود بالاخره برکنار
 قلاع مستحکم استبداد روسیه فرو نشست
 شجره مبارکه که بخون قربانیهای انقلاب کبیر
 فراقترا بیاری گردیده همینکه در آن زمین
 ریشه و ایندواند که اندک تمام کرده ارض را هم
 بوزشایه فیض بخش شاخه های پرومند خود
 آورد ایامه سری در گذار بود که مملکت وسیع
 رویترا تا کنون از این فیض عظیم محروم و مهجور
 گردانیده بود حرف نظر از ترکیه که بواسطه ^{ورش} ^ن
 اروپا کم پیشی از مدنیّت را اکتساب نمود حتی ^{ان}
 و چین که در پشت پرده ظلمی که همین روسیه

در مقابل نایب پر تو خود بشید زرقی و تقاضای این
 کشید که قعیس می نمودند عصا زنان و افتان و خیزان
 خود را با شاهان خویش و مشروطیت رسانیدند
 در هیچ عصری فقط رویش بود که یک جناب
 ضعیف روی دلازای محو و بیشتر کشید بود
 و این اگر چه در بین در هفدهم اکتبر سنه
 بموجب فرمان امپراطوری در عهد الممالک و طه
 درآمد ولی مع الشافیه این تولد نامشروع
 ناقص الاعضاء تولد یافت بواسطه اینکه
 بزرگترین دشمنان نوزاد منور بود نامهربان
 و قابل های عسریب شعارا و بودند بلدی و سینه
 ظاهر ازاد بود اما انسان نجاکت میکشد که
 آن مملکت را مشروطه بخواند زمانیکه سیل و
 با هیئت دو ماد در لندن بود در ضمن نظر گفت

بجای خود که در عهد اول مشروطیت خوب بایستید
انگلیسها این مطلب را با تمسخر و استهزاء تلویحی
می نمودند مشروطیت رویت هر چنانکه بود از
دوستانیکه بموجب ماده ۲۸ قانون اساسی
و در عهد استعموری ذرا عاقل مغلول و مقید گردید
و این ماده منحوسه اختیارات دولت نصبت
و اینست که وسیع داده بود که اگر کارهای
ملک در چهارم اقلی که میامدند سوی
تصدیق و امضای پیشنها ذات دولت
هند کاری نداشتند لذا در روز اختلافات
بین دو ممالک دولت فراتر از نافه کار با استخوان
نزدیک میبند تا کار بجای رسد که از نقطه نظر
حفظ وطن خائمه دادن بان اوضاع و حالات
مندی حکم و چون در فرضی عین اخوان سکون

هنگامیکه در چین و ایران حکومتی که مستور و کلا
 پادمان میباشد و مشروطیت حقیقی تشکیلات یافت
 اداره کنندگان حکومت رو به بزرگوار خود را فعال
 نمایند و آنرا ابد استوار و مناسبتی که میقتضی
 در حالتیکه رویت را واسطه جنگ است احتیاج را
 خلافتها محرابی نظمیهای داخله و خارجه داشت
 و بجز عنادهای جاهلان استبدادی از طرف حکومت
 ایران عنایت نمیشد و گوییند که زمان امور را گفت
 از پر کردن کینه خویشی فراتر حاصل نمیشود و عیبها
 آنها بجزئی آنها یکفرمایند اطوار نیکلای دوم بود
 ولی آخر معلوم شد که اگر چه آنها با قدرت گشته و بزرگوار
 ولی با دست دیگر مشغول کردن قبرهای خود بودند
 علی الصباح که سر از خواب غموش برداشته شب اینست
 آنچه برای آنها باید بزرگوار و جاهت زانند بود

و ملک بیدار و بیدار قوی ترین است که استبداد مظلوم
 را در هم شکست (فتاح)

احسن عفاء نامتد امیر اهل

در جیبی که کشمکش بزرگی با دشمن نماید چه خجالت

عیبین ساختن ما را داد و داریم و مندرشال برای رفع

این غائله عیبیت و کوشش شده است خداوند است

ما را افزون نموده بدین سخن بزرگتری بروی سپه پنداره

و اغتشاش و زحمت داخلی که نتایج و چشم پشیم

جنگ و مقاصد روسیه خواهد داشت فرام

شده است شرف قشون شجاع غیور و شغفت

و سگ انجام گاه وطن عزیز جدای ما را و دار پنداره

با هر قیمت جنگ را مداومت داده تا با یک انتهای

مظفرانه خاتمه یابد دشمن ظالم ما انورین

نمود را بعل میاورد ولی نزدیک است که قشون

با اتفاق متحدین دشمنان را مغلوب سازند و در
این ایام بحران حیات و عیینه ما تکلیف خود را
بر آن دانستیم که با ملت اتحاد را مریوط سازیم
و تمام قوا را بجهت فتح معجزانه تشکیل دهیم
بنابرین با مسکلت دولت تشخیص دادیم که بجهت
منافع مملکت از سلطنت استعفاء خواهیم
داد و نام ما را در گامی چون ما ایل جدا شدن
از غیر نبرد بجز خود نیستیم وراثت سلطنت را
بشاهزادان میکانیل تفویض مینماییم و نگاهدار
تاج و تخت را در آئینه از خداوند مسئلت مینماییم
ما بشاهزادان حکومت را عطا میکنیم که با اتحاد
با نمایندگان ملی حکومت نمایند و با اسم وطن
اجدادی قلم یاد کند و بتمام فرزندان غیر قلم
میدهم که تکالیف وطن پرستانه خود را بجا

آورده اطاعت از امیر اطو بکنند و با مساعدت
 نمایندگان ملت زمان مملکت دو سینه زاده
 دست گرفته بطرف سعادت و جلال حرکت
 کنند خداوند دو سینه زاک کاند (انتهی)
 نقل از تهمینه کتبات مرینی -
 خلاصه آثار افسان (تحت عنوان حوادث خاوار

قریض و کتیب

پطرس گراد بر حسب معلوماتی که در پومانیه رویه
 داده است از اول جنگ بین المبللی تا آخر ماه ابون
 ۱۹۱۷ چهار یک میلیارد و چهار صد و بیست و شش
 میلیون منات (..... ۳۴۳۱۴۰۰) از دول
 متفق خود قرض نموده است و الان هم همین
 مبلغ را مقروض است که در صورتیکه غایب است
 سالیانه دو سینه بیست و سه میلیارد منات نیست

و این مبلغ کفایت نزول قرض و جوان دولت را میدهد
(نقل از شماره ۳ بهار سال اول)

فصل ششم در باب کلیات

نیکی لای دوم امیناً طور مخلوع رویت که حسب الامر
حکومت موقتی جمهوری رویت به تعیین سیر باشد
انجمن خیال فراد افزاده تمام و سائل از افرا هم نمود
که موقع غریب که اول ملتفت شده و او را دستگیر
نموده اند (نقل از شماره ۳ بهار سال اول)

فصل هفتم در باب جنگجوی

دیشا که با پارلمان المان بدفانده مییارد که
حکومت بجهت خارج جنگ نقاضای اعتبار کرده
رای فراده و وزیر مانیته کونست در عهد مقدم
نظن مفضلی انبار کرده و وزیر سر بود میگوید
اعتباراتی که حکومت تا کنون نقاضا نموده

بجاء و دو میلیارد مارک میشود و نیز میگوید
بواسطه اقساع میدان جنگ در ترا فیلوآنی
و در دو بروجا در این چند ماه آخر ماهی حدود
میلیارد و یکصد و هشتاد و هفت میلیون خرج میشود
و زیر سر بود پس از بسط کلام در موضوع مالیه
فرانس و انگلیس و نیز در موضوع مالیه و خوالمان
و کیفیت قروضی که در این مدت جنگ دول
متخارج کرده اند میگوید بعد از آنکه آنچه عساکر
تحت سلاح از این قرضه بنام خود کرده اند
یافت شود معلوم خواهد شد که این دو ازانده
میلیارد قرضه حاضر و فقط چهار میلیون نسیه
پرداخته اند که معدود آن از قرار هر یک نفر
صد هزار مارک باشد مستخرجین گویند که
چون لفظ مالیه در عبارت جارید کثیر کاربرد

میشود و اغلب مردم بمقدار واقعی او بک نمیرسد
 میگویم هر ملباود هزار ملباود است و ملباود
 هزار هزار که هر ملباودی هزار هزار باشد
 بتکرار لفظ هزار سه مرتبه و علاوه بر این بدو مشتاق
 ذیل معنی ملباود را تقریب میکنیم اولاً در بول
 فرانک مسکول و فواج فرانسه و مدار مسکول
 رواج المان و شلتاک ان انگلیس و کرون ان
 اطریش و قران و فواج ایران است اینها همه عدد
 حجم و وزن متعارفند و پنجاه و فواجی ماداران
 بیست و هشت ملباود قطری است بتقریب پس
 یکتا ملباود فرانک پاد و قران بیست و هفت
 چیزی شود بطوریکه بکنایه مستقیم عدد ملباود
 آن خط چهار هزار و ششصد و شصت و شصت
 خواهد داشت از قران هر فرسخ شش هزار و شصت

ثانیاً در اسکا س - هرگاه ده انبار داشته باشیم
 و در هر انباری یکصد صندوق و در هر صندوق
 یکصد مجله و در هر مجله صد ورقه که هر ورقه
 یک اسکا س صد فرانگی باشد آن وقت یک
 میلیارد فرانک خواهیم داشت - سید حسن طبری
 در کتابش چگونگی ساختن عنوان

(از جزئیات آن)

تلفات و مخارج - با آنچه تمدن اروپا
 در کتبها و جیبی شکل یافته که شغل است
 فقط کتب معلومان از خارج جنک جهان است
 و تا کنون جمعیت سر پرورد و دفتر از معلومان
 خود منتشر یافته که قسمتی جامع مخارج جنک
 و قسمتی هم جامع با تلفات نفوس است چون از
 قیمت اول ادهان قادیان محترم تا درجه بر

لهذا درج قیمت ثانی را انب و انبیم
 در خصوص تلفات المان میباید که بتوان آرد او
 کتب معلومات کرده اند اما عبارتست از ۱۰۳۱
 جلد دفترچه سپاه که جلالتان در خاور میوه ۱۳۱۷
 صفحه میباشد که آن دولت ^{بود} نشر داده است تلفات
 دولت متحارب در عرض دو سال بقرار ذیل است
 متحملین گشتگان جان ناصدگان اسیر

- المان — (۸۸۵۵۰۰) (۲۵۱۹۴۱۲) (۱۰۲۰۰۰۰) (۳۰۰۰۰۰)
- اُطین — (۷۱۸۰۵۱۴) (۱۷۷۵۹۴۰) (۵۳۳۰۸۲) (۱۱۵۰۰۰۰)
- عشما — (۱۵۰۰۰۰) (۳۵۰۰۰۰) (۱۰۵۰۰۰۰) فلانند
- بلغا — (۲۵۰۰۰) (۶۰۰۰۰) (۱۵۰۰۰) ((

امروزه بر دول متحد مگر می سعای اسراء
 ۷۳۵۵۷۰۰ هفت میلیون و پینصد و شصت
 پنجهزار و هفتصد تلفات وارد آمده است

منقبت

انگلیس — (۲۰۵۰۰۰) (۵۶۲۰۰۰) (۱۵۴۲۰۰) ^{فلسطین} (۱۵۴۲۰۰)

فرانسه — (۹۰۰۰۰) (۵۰۰۰۰۰) (۶۲۴۰۰۰) (۳۰۰۰۰۰)

ایتالیا ^{در عرض چهارده سال} — (۱۰۵۰۰۰) (۲۴۵۰۰۰) (۷۵۵۰۰۰) (۵۵۰۰۰۰)

بلژیک — (۵۰۰۰۰) (۱۱۰۰۰۰) (۲۴۰۰۰) (۴۰۰۰۰)

صرب — (۱۱۰۰۰۰) (۱۴۰۰۰۰) (۴۲۰۰۰۰) (۲۰۰۰۰۰)

بقدر آنکه بود دولت متفقین در مدت دو سال سومی

دوس - رومانی - ژاپون - پرتغال - فرانسه

۵۰۴۸۸۰۰۰ شش میلیون و چهل و هشت هزار و هشت صد

نفر تلفات داده اند که اینها تلفات تمام سالهاست

تلفات جنگ

نظیر آنکه در اصله از طریق گناه به کینه اعدا آغاز

جنگ تاکنون تلفات دو میلیارد و ناصهین بالغ بود

۹۱۵۰۰۰۰ شش میلیون و یکصد و پنجاه هزار نفر